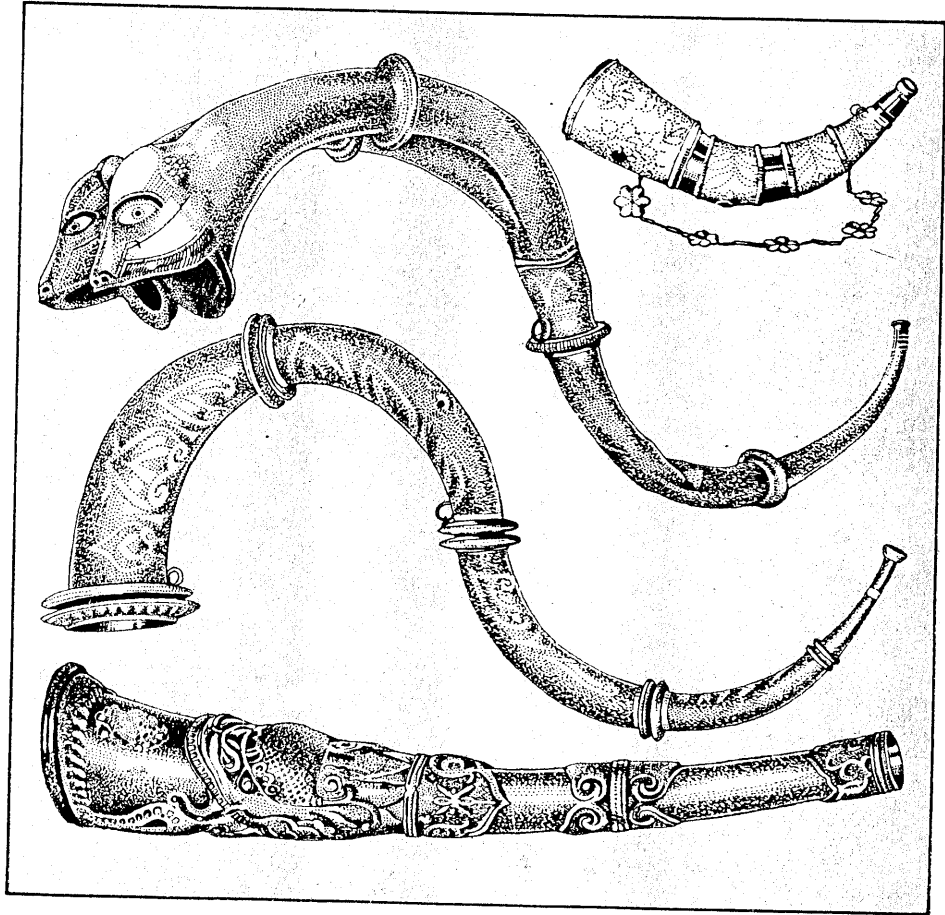




8

صابر [Sāber]: شهاب‌الدین اسماعیل ترمذی مشهور به ادیب صابر از شاعران نیمه اول سده ششم است. او از مداحان سلطان سنجر بود و چون اختلافی بین سلطان سنجر و اتسرن خوارزمشاه بروز کرد، سنجر او را نزد اتسرن فرستاد و به مناسبت عمل سوءنیت صابر، اتسرن او را در رود جیحون غرق کرد. قتل این شاعر در سالهای ۵۳۸ و یا ۵۴۲ هجری اتفاق افتاده است. از دیوان این شاعر نسخه‌ای در کتابخانه‌های ایران بطور پراکنده وجود دارد.

صابر، علی اکبر [Ali-Akbar Sāber]: میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر، شاعر بزرگ ملی آذربایجان قفقاز، سراینده فکاهیات اجتماعی و انقلابی و همکار دائمی روزنامه ملانصرالدین در ۱۸۶۲ میلادی در شماخی، شیروان دنیا آمد. پدرش مشهدی زین‌العابدین پیشه‌بقالی داشت. وقتی صابر توانست فارسی و ترکی بخواند، پدرش وی را از رفتن به مکتب و مدرسه باز داشت و در دکان خود بکار گمارد و بارها پدرش دفتر اشعار او را پاره کرد.

صابر در پائیز سال ۱۹۱۰ میلادی به بیماری سل گرفتار شد و در سال ۱۹۱۱ چشم از جهان فرو بست. در سال ۱۹۱۹ کتابخانه‌ای در باکو به نام او تأسیس شد. مجموع اشعار او بنام هوپ هوپ نامه در آذربایجان ایران و روسیه به دفعات چاپ شده است.

صابر، محمد رضا [Mohammad Rezā Sāber]: محمد رضا صابر در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در کرمانشاه دنیا آمد. او در سال ۱۳۵۴ وارد دانشکده سینما و تلویزیون شد و پس از گذراندن دوره صدا برداری در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران بکار مشغول گردید.

صابوناتی [Sābunāti]: از آهنگهای محلی فارس.

صاحب جمع، منصور [Mansur Sāheb-jamw]: نوازنده چیره دست توبا در ارکستر سنفونی تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی. او سالها با هنرمندانی چون، سلیمان اکبری، باشوکی، قراب و امیر بیداریان همکاری داشت.

صادالملک، حسین خان [Hoseyn-xān Sād-ol-molk]: از نوازندگان و خوانندگان مشهور دوره قاجاریه که چون نزد موتمن نظام، برادر صادالملک به پیشخدمتی مشغول بود به این نام معروف گشت. پس از فوت موتمن نظام به نزد نیرالسلطنه رفت و پیش او به پیشخدمتی و نوازندگی پرداخت.

صادق پور، غلام شاه [Golāmshāh Sādeq-pur]: نوازنده چیره دست ویلن در کرمانشاه در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی.

صادق خان [Sādeq Xān]: خواننده معروف دوره قاجاریه و از کارگزاران معیار بوده است، او در سفر اروپا با دوست علی خان معیرالممالک همراه بود. او در پاریس چند استوانه فونوگراف از صدایش ضبط کرد. صدای او زیر و بلند بود.

صادق خان، محمد [Mohammad Sādeq-xān]: نوازنده مشهور سنتور در عهد قاجاریه. اولین شخصی که با نواختن پیانو آشنائی پیدا نمود، او بود. صادق خان برای اینکه بتواند، آهنگ و مقامات موسیقی ایرانی را با پیانو اجرا کند، در هرگام، دو پرده را تغییر کوک داد. ناصرالدین شاه به این هنرمند بزرگ لقب: سرورالملک داد و او را مسئول نقاره خانه کرد. موسیقی نواختن او با لیوان های دارای آب و آجر و نیمه آجرهای خیس از ابتکارات او بود.

صادق خانی [Sādeq-xāni]: از گوشه های دستگاه شور است.

صادقیان، دکتر ایرج (Doktor Iraj Sādeqyān): دکتر ایرج صادقیان، متخصص قلب و نوازنده چیره دست سنتور، کار آموختن سنتور را از سن هشت سالگی با راهنمایی و تشویق پدرش آغاز نمود. پدر دکتر صادقیان هم خود از شاگردان استاد صبا بوده است. در دوران ابتدائی این هنرمند، تحت نظر آقای ذوالفقون معلم موسیقی دبستان فردوسی سرودهای ورزشی دبستان را اجرا می کرده است. در کودکی به برنامه کودک و برنامه زنده یاد صبحی راه می یابد و همچنین جمعه صبح ها در برنامه رادیو ایران بنام نوازنده خردسال ده دقیقه برنامه اجرا می نموده است. در سن ۱۴ سالگی توسط استاد روح اله خالقی به انجمن موسیقی ملی معرفی می شود و در برنامه ای در حضور قوام السلطنه نخست وزیر وقت شرکت و موفق به دریافت جایزه از دست نخست وزیر می شود.

در آن سن، همکاری را با مجید و حمید وفادار آغاز و در برنامه ساعت ۷/۵ شب رادیوی ارتش استاد قوامی را در خواندن همراهی می کند. همنازی دکتر ایرج صادقیان با استاد صبا از مرکز فرستنده بی سیم پهلوی بطور زنده پخش می شده است. با انتقال پدر دکتر صادقیان به اصفهان، این هنرمند به آن شهر رفته و با برادران نورده که ویلن و تار می نواختند همکاری خود را آغاز می کند.

دکتر صادقیان، در دوران تحصیلات پزشکی خود در دانشگاه تهران، اقدام به تاسیس کلاس آموزش سنتور در خیابان پهلوی کرده و در آن جا سال ها به تدریس این ساز مشغول بوده است.

دکتر صادقیان پس از پایان تحصیلات عالیه در دانشکده پزشکی با همسرش خانم دکتر فرح صادقیان برای دوره های تخصصی به آمریکا می آیند و خانه این زوج هنر دوست پایگاه هنرمندان برجسته کشورمان می شود. آثار با ارزشی از همنازی دکتر ایرج صادقیان با هنرمندانی چون استاد فرهنگ شریف، استاد محمد رضا شجریان، استاد رحمت اله بدیعی، استاد جلیل شهناز و استاد حسن کسائی وجود دارد. دکتر ایرج صدقیان در حال حاضر در ایالت ویرجینیای آمریکا به اتفاق همسرشان به شغل طبابت اشتغال دارند.

صادقی، بردیا [Bardiyā Sādeqi]: نوازنده چیره دست و جوان تنبک در تهران و از شاگردان ممتاز استاد محمد اسماعیلی.

صادقی، ج [J.Sādeqi]: از خوانندگان مشهور قدیمی که همواره با نام ج - ص آواز می خواند. از او صفحاتی توسط کمپانی کلمبیا در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۸ خورشیدی وجود دارد.

صادقی، جعفر [Jawfar Sādeqi]: از صدابرداران و صداگذاران شاغل در تهران.

صادقی، رضا [Rezā Sādeqi]: نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان استاد فرامرز پایور و میلاد کیائی که در تهران فعالیت دارد.

صادقی، سپهرداد [Sepehrdād Sādeqi]: مهندس سپهرداد صادقی، نوازنده چیره دست ویلن و از شاگردان استاد غلامحسین نیک رویان است.

صادقی، علی [Ali Sādeqi]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس با آلبوم: عشق سرکش با ۶ ترانه: عشق سرکش، ای آدمها، غزل، از این خونه پریده، من آمدم و روزی آخر برمیگردم.

صادقی، منوچهر [Manucehr Sādeqi]: استاد دکتر منوچهر صادقی، آهنگساز، محقق، رهبر ارکستر، نوازنده چیره دست سنتور و استاد تعلیم موسیقی در دانشگاههای آمریکا است که اینک در دانشگاه UCLA به تربیت شاگردان ایرانی و خارجی می پردازد. دکتر منوچهر صادقی نواختن سنتور را از ۷ سالگی آغاز نمود. استاد او موسیقیدان بزرگ ایران استاد ابوالحسن صبا بود که بنا به تشخیص استاد صبا، دکتر صادقی در ۱۷ سالگی در ارکستر او به نوازندگی

پرداخت (۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ خورشیدی). او بعدها، به عنوان سلیت با این ارکستر به رهبری حسین دهلوی تا قبل از سفر به آمریکا همکاری داشت.

دکتر منوچهر صادقی از سن ۱۵ سالگی به کار تدریس موسیقی پرداخت. او سالها با سمت استادی در هنرستان موسیقی ملی در زمان ریاست امیرجاهد به امر تعلیم دانشجو می پرداخت و از شاخص ترین شاگردان او در زمینه موسیقی میتوان به مجید کیانی اشاره داشت. دکتر منوچهر صادقی، دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس در موزیکولوژی و دکترای در آتوموزیکولوژی میباشد.

او در طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۲ با تلویزیون ثابت و اداره هنرهای زیبای کشور به عنوان استاد هنرستانهای موسیقی، سلیت و نوازنده و سرپرست ارکستر همکاری نزدیکی داشت.

دکتر صادقی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به آمریکا آمد و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در رشته موسیقی، بعنوان استاد موسیقی در دانشگاه UCLA به کار اشتغال دارد.

دکتر منوچهر صادقی از چهره های شاخص در فستیوالهای بزرگ فرهنگی جهان بعنوان نماینده موسیقی ایرانی، بشمار میرود.

این هنرمند گرانقدر، سالها همراه با دیگر هنرمندان چون: لقمان ادهمی و پرویز رحمان پناه با زنده یاد هایده همکاری مینمود.

صارمی، ابوالقاسم [Abolqāsem Sāremi]: نوازنده چیره دست سنتور و برادر بزرگ استاد منصور صارمی است که خود از هنرمندی بنام مشهدی سیفاله، تعلیم گرفت و با دیدن استعداد برادرش، او را نیز نزد همان استاد میبرد.

صارمی، منصور [Mansur Sāremi]: منصور صارمی، نوازنده چیره دست سنتور در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در رشت بدینا آمد. در دو سالگی پدرش را از دست داد و سپس همراه خانواده اش به تهران آمد. برادرش، ابوالقاسم، نزد هنرمندی بنام مشهدی سیفاله تعلیم موسیقی می بیند و با دیدن استعداد برادرش او را نزد استاد خودش میبرد. منصور صارمی نزد مشهدی سیفاله چهار سال به نواختن و آموختن سنتور اشتغال داشت و پس از آن نزد احمد ابراهیمی، از شاگردان استاد غلام حسین بنان، ردیف های آوازی موسیقی ایرانی را می آموزد. ابراهیمی، با معرفی منصور صارمی به استاد مرتضی خان محجوبی او را در زمره شاگردان استاد محجوبی در می آورد. استاد بعدی او، نورعلی خان برومند است که چهار سال نزد ایشان به تکمیل هنر خود می پردازد. منصور صارمی بمدت ده سال متوالی با برنامه گلهای رادیو ایران همکاری نمود. منصور صارمی در روز چهارم آبان ۱۳۷۸ در سن ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست.

صافور [Sâfur]: سازی است بادی که نام دیگرش سوفار میباشد.

صالح، پروین [Parvin Sâleh]: نوازنده چیره دست غژک و از اعضای فعال گروه سازهای ملی به سرپرستی زنده یاد فرامرز پایور و همدوره با حسن ناهید (نی)، حسن منوچهری (عود) و استاد محمد اسماعیلی (ضرب).

صالح، شیرین دخت [Širin-dox̄t Sâleh]: از فارغ التحصیلان دوره عالی هنرکده موسیقی ملی در رشته؛ کارشناس موسیقی ملی دوره ششم، اردیبهشت ۱۳۵۸ خورشیدی.

صالح عظیمی، کریم [Karim Sâleh-Azimi]: از شاگردان ممتاز زنده یاد اقبال آذر، استاد مسلم آواز است. کریم صالح عظیمی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در تبریز دنیا آمد و در سال ۱۳۴۲ به شاگردی اقبال آذر درآمد. صالح عظیمی در سال ۱۳۵۳ نزد استاد عبدالله خان دوامی به تکمیل ردیف های آوازی ایران پرداخت.

صالحی [Sâlehi]: از نوازندگان زبردست تار و همدوره با جواد بدیعی، نیر اعظم رومی و استاد جلال تاج اصفهانی. از این هنرمند صفحاتی که توسط کمپانی هیز مستر وِیس، در سال ۱۳۱۲ خورشیدی ضبط و پخش شده است وجود دارد.

صالحی، احمد [Ahmad Sâlehi]: از صدابرداران و صداگذاران شاغل در تهران.

صالحی، حبیب اله [Habib-ollâh Sâlehi]: زنده یاد حبیب اله صالحی استاد تار که از شاگردان ممتاز استاد حاج علی اکبر خان شهنازی است.

استاد حبیب اله صالحی در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در شاهرود دنیا آمد. بعدها او لیسانس خود را در علوم طبیعی و آهنگسازی دریافت کرد. استاد های او علاوه بر حاج علی اکبر خان شهنازی، موسی خان معروفی و ابوالحسن صبا بودند. او از سال ۱۳۲۲ خورشیدی همکاری خود را با رادیو ایران آغاز نمود و در ارکستر گلها، ارکستر بزرگ رادیو تلویزیون و ارکستر مهدی مفتاح به نوازندگی پرداخت. او پنجاه آهنگ و پیش درآمد ساخت، از آن جمله: شاخه گل شماره ۲۱۳، سایه لرزان، بی گناهم، بکنارم بمان و... که اکثر آنها را شجریان خوانده است.

صالحی، سید علی [Seyyed Ali Sâlehi]: از شاعران معاصر که از او کتاب: نامه ها و سفر به خیر، مسافر غمگین در دسترس میباشد.

صالحی، علی [Ali Sâlehi]: از صدابرداران با تجربه در رادیو تلویزیون ایران.

صالحی، فریدون [Fereydun Sâlehi]: فریدون صالحی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در میانه بدنیا آمد او از سن ۷ سالگی به موسیقی و ساختن لوازم و آلات موسیقی علاقمند شد. او از بین تمام سازها، بیشتر به ویلن گرایش داشت. صالحی در سال ۱۳۴۹ به هنرستان عالی موسیقی رفت و زیر نظر استاد ابراهیم قنبری مشغول فراگیری ساخت این ساز شد. او ده سال در کارگاه وزارت فرهنگ و هنر و در کارگاه خصوصی استاد قنبری کار کرد. او از سال ۱۳۶۰ مستقلاً به ساخت ویلن اشتغال دارد.

صانعی، منوچهر [Manacehr Sânewi]: نوازنده و استاد تعلیم پیانو در تهران.

صاینی [Sâyeni]: قوام‌الدین محمد صاینی، از شاعران سده نهم هجری است که سالها در آذربایجان، شروان و سوریه و مصر زیسته است. او در سال ۸۳۰ هجری چشم از جهان فرو بست. کلیات او در کتابخانه ملی پاریس تحت شماره Supp. 727 نگهداری میشود.

صائب تبریزی [Sâwebtabrizi]: میرزا محمد علی صائب تبریزی اصفهانی، در سال ۱۰۱۶ هجری در اصفهان بدنیا آمد. در جوانی به مدت ۶ سال به هندوستان و به بارگاه شاه جهان رفت پس از این مدت به اصفهان برمیگردد و ملک الشعراء شاه عباس ثانی میشود. آثار صائب شامل: کلیات شمس، سفینه محمود که نزدیک به ۲۰ هزار بیت است. دیوان او اولین بار در هندوستان چاپ شده است. صائب در سال ۱۰۸۱ هجری در محله عباس آباد اصفهان چشم از جهان فرو بست.

صبا [Sabâ]: شعبه هفدهم، از شعب چهل و هشت گانه موسیقی مقامی گذشته.

صبا [Sabâ]: فتح علی خان کاشانی متخلص به صبا، از شاعران بنام دربار فتحعلی شاه قاجار است. فتح علی خان، ابتداء از مداحان لطفعلی خان زند بوده و دیوانی در مدح این شاهزاده دلیر دارد. دیوان این شاعر ده تا ۱۵ هزار بیت دارد. بزرگترین مثنوی صبا، شاهنشاهنامه است.

صبا، ابوالحسن [Abolhasan Sabâ]: استاد ابوالحسن صبا از مفاخر موسیقی ایران، فرزند کمال السلطنه در سال ۱۲۸۱ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش به موسیقی علاقمند و سه تار را با ملاحظه خاصی می

نواخت. علاقه صبا به موسیقی در کودکی بخاطر، ندیمه عمه‌اش، ربابه خانم روان بخش بود که به او نواختن ضرب را آموخت. تکمیل ضرب نوازی را نزد حاجی خان عین الدوله پایان برد. «صبا، سه تار نوازی را از دختران میرزا عبدالله، ملوک و مولود عبادی می‌آموزد. او سنتور را از استاد علی اکبر شاهی، فلوت را از اکبر خان رشتی، کمانچه را از حسین خان اسماعیل زاده، ویلن را از حسین خان هنگ آفرین می‌آموزد.

استاد صبا، از هنرنقاشی، خط، منبت کاری و ساز سازی هم بهره مند بود. او در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در مدرسه کلنل وزیری ثبت نام کرد و بزودی به صورت سولست مدرسه درآمد. استاد صبا، همراه با حبیب سماعی جان تازه‌ای به سنتور داد. او در نواختن پیانو، قانون، تار نیز از مهارت بی نظیری بهره مند بود. استاد صبا در حقیقت یک ارکستر بود. استاد صبا، پس از ۵ سال تحصیل در مدرسه موسیقی وزیری در سال ۱۳۰۶ به سمت ریاست مدرسه صنایع ظریفه گیلان منصوب گردید. در مدت دو سال و اندی که به خدمت در آن مدرسه اشتغال داشت. در روستاها و کوهپایه های گیلان، تحت تأثیر شدید موسیقی محلی آن قرار گرفت و باعلاقه فراوان به جمع آوری آنها پرداخت و ارمغانهای باارزشی نظیر: دیلمان، امیری، زرد ملیجه و رقص قاسم آبادی را به همراه آورد. استاد صبا تصمیم داشت تار دیف های ساز و آواز را یکجا جمع کند و از آهنگهای محلی برای پُر بار کردن موسیقی ردیفی استفاده نماید و اینکار را با ویلن انجام داد. او در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، وقتی کلاس تعلیم موسیقی در منزل خود تاسیس کرد. شروع به نوشتن ردیف کاملاً تازه‌ای کرد و بعدها سه کتاب بنامهای ردیف اول و دوم و سوم موسیقی، اسناد گرانبهای در تاریخ موسیقی ایران شدند. در ۲۹ آذر ماه ۱۳۳۶ خورشیدی، استاد صبا در سن ۵۵ سالگی بعثت عارضه قلبی چشم از جهان فرو بست.

صبا طی عمر کوتاه و پُر بار خود شاگردان بسیاری را تعلیم داد که بعدها هریک به نوبه خود استادی بنام شدند نظیر: استاد ابراهیم قنبری مهر (رشته ساز سازی). استاد غلامحسین بنان (آواز)، استاد دکتر داریوش صفوت (سه تار و سنتور)، استاد حسین دهلوی (آهنگسازی)، استاد حسن کسائی (نی)، استاد حسین تهرانی (ضرب)، استاد فرامرز پایور (سنتور)، استاد دکتر مفخم پایان (ویلن)، استاد مهدی خالدی (ویلن)، استاد محمود تاج بخش (ویلن)، استاد حبیب اله بدیعی (ویلن)، استاد همایون خرم (ویلن)، استاد محمود ذوالفنون (ویلن)، استاد رحمت اله بدیعی (ویلن)، استاد منوچهر صادقی (سنتور)، استاد مصطفی ندیمی (ویلن) استاد سعادت اله نورده (ویلن) و استاد مجید وفادار (ویلن) از محضر استاد صبا، بالغ بر دو هزار هنرمند تربیت شده اند. استاد صبا در خصوص گردآوری آهنگهای محلی کرمانشاهی هم تلاش های گرانبهای داشته اند.

آثار صبا را میتوان به دو دسته تقسیم کرد: اول: اجراهای ویلن، سه تار و تار که اکثر آنها بصورت صفحه وجود دارد. دسته دوم: تصنیف ها و آهنگهای گردآوری شده محلی و فولکلوریک. از آثار صبا «زنگ شتر»

«کاروان» «زرد ملیحه» «شوشتری» «در قفس» «کوهستانی» «رقص چوبی قاسم آبادی» «به یاد گذشته در دشتی» و چهار مضربهای مختلف را باید نام برد.

استاد صبا، دو بار به خارج از ایران سفر کرد (بیروت و شام) و صفحاتی را در آنجا ضبط و از خود بجا گذاشت. او از اولین روز تأسیس رادیو در اردیبهشت ۱۳۱۹ با این سازمان همکاری مستمری داشت. او در سال ۱۳۲۰ خورشیدی استاد ویلن کلاسهای شبانه هنرستان عالی موسیقی و در سال ۱۳۲۸ استاد ویلن هنرستان موسیقی ملی بود. از استاد صبا چهار جلد کتاب در خصوص سنتور چاپ شده است. خانه صبا، در خیابان شاه آباد، کوچه ظهیرالاسلام واقع بود. در سال ۱۳۵۳ خورشیدی در جریان جشن فرهنگ و هنر درهای این خانه را به روی علاقمندان گشودند و در آن خانه، ویلن او، دستنویس ها و نوشته های چاپ شده اش در معرض تماشای مشتاقان قرار گرفت.

صبا، استودیو [Ostadiyo Sabá]: استودیو ضبط صدا در تهران.

صبا، حسین [Hoseyn Sabá]: زنده یاد حسین صبا، نوازنده چیره دست سنتور و از شاگردان نخستین استاد ابوالحسن صبا بود. حسین صبا با استاد صبا، نسبتی ندارند و تنها تشابه فامیلی وجود دارد. حسین صبا اولین استاد سنتور هنرستان موسیقی ملی بود. او از دیپلمه های هنرستان عالی موسیقی و ساز تخصصی او پیانو بود، که بعدها به مقام استادی رسید. این هنرمند در سال ۱۳۳۹ خورشیدی بر اثر ابتلاء به سرطان مغز در جوانی درگذشت. قبر این هنرمند در قبرستان ظهیرالدوله شمیران است. کتاب خودآموز سنتور از تألیفات این هنرمند است. از شاگردان ممتاز او، خانم ارفع اطرائی میباشد.

صبا، رکسانا [Roksáná Sabá]: نوازنده زبردست پیانو و دختر استاد ابوالحسن صبا.

صبا، فاخره [Fāxere Sabá]: موسیقیدان و از اعضای هیئت ژوری در مسابقات هنری ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی. هیئت ژوری این مسابقات عبارت بودند از: ابوالحسن صبا، مرتضی نی داود، موسی معروفی، مرتضی محجوبی، حشمت اله سنجری و خانم فاخره صبا.

صبا، محمد [Mohammad Sabá]: از خوانندگان پیش از انقلاب و همدوره با فردوس، رویا، مهدیان، پرواز و علی برجسته.

صبا، مرتضی [Morteza Sabà]: از نوازندگان معروف و قدیمی تار و از شاگردان آقامیرزا عبدالله و همدوره با جواد عبادی، سید حسین خلیفه، آقا غلام حسین، اسماعیل قهرمانی و ناصرخان.

صبحی [Hoseyn Hoseynā Sabuhi]: حسین حسینی، متخلص به صبحی، اهل خوانسار، از موسیقیدانها، نوازندگان و شعرای عهد شاه عباس دوم و شاه سلیمان بوده است. وی در سال ۱۰۷۸ هجری چشم از جهان فرو بست.

صبوری، امیر جعفر [Amir Jawfar Saburi]: دکتر امیر جعفر صبوری، نوازنده سنتور، پیانو و ضرب در شرق آمریکا و سرپرست انجمن همیاری ایرانیان نیویورک است.

صدا [Sedā]: آواز، بانگ

صدا خانه ملی ایران [Sedāxāneye Melliye Iran]: در سال ۱۳۳۰ خورشیدی، فعالیتی در جهت حفظ و نگاهداری آثار موسیقی ایرانی به عمل آمد که از آن جمله گردآوری آهنگهای محلی بود که بر مبنای آن، آرشیوی بنام صدا خانه ملی در هنرهای زیبای کشور تشکیل گردید و در زمینه جمع آوری آهنگهای محلی، اشخاصی نظیر؛ ابوالحسن صبا، روح‌اله خالقی، لطف‌اله مبشری، حسین ناصحی، فریدون فرزانه، ثمین باغچه بان، غلام حسین غریب، علی محمد خادم میثاق و امین شه میری همکاری داشتند.

صدا خانه ملی ایران - شماره ۲ [Sedāxāneye Melliye Iran Šomāre 2]: تشکیلاتی

است در آمریکا که مرکز آن در لس آنجلس میباشد. این نهاد، وابسته به بنیاد پژوهش‌های فرهنگی ایران است که به همت دکتر لطف‌اله روزبهرانی، نویسنده دانشنامه مصور موسیقی ایران و مهندس آرمن ساگینیان مدیر اجرایی سازمان؛ بینش نوین پایه ریزی شده است.

هدف از تشکیل صدا خانه ملی ایران - شماره ۲، حفظ و نگهداری آثار موسیقی گذشته و موسیقی ایرانی در سراسر جهان بعد از انقلاب ۵۷ است. این صدا خانه مکانی است برای تحقیق و پژوهش، خصوصاً برای هنرمندان و هنرجویان غیر ایرانی. بخش‌های موسیقی فولکوریک این صداخانه اختصاص به موسیقی محلی و قومی ایران دارد.

صداسنج [Sedā Sanj]: وسیله ای برای سنجش ارتفاع صوت، متشکل از جعبه‌ای چوبی (صندوق رزناس) که بر روی دو پایه قرار دارد.

صدای ایست [Sedāye Ist]: صدائی است که گوشه‌ها در انتهای آن توقف می‌کنند و یا نتهی، که ملودی در خاتمه بر آن می‌ایستد. در بعضی از مقامها، صدای شاهد و ایست یکی است.

صد داستان [Sad dastān]: شماره الحان بارید در بعضی از کتب صد و در بعضی سیصد و شست آمده است.

صدر اصفهانی [Sadre Esfahāni]: از خوانندگان مشهور تهران در عهد قاجاریه.

صدرالدین، غلامرضا [Qolām-Rezā Sadr-eddin]: از تنبک نوازان زبردست پس از انقلاب و از همکاران نزدیک داود آزاد، داریوش فیض آبادی و سعید کامجو.

صدرالمحدثین [Sadr-ol-Mohaddesin]: عبدالحسین صدري واعظ معروف اصفهان و استاد مسلم آواز که از صدای بسیار زیبایی برخوردار بود. صدرالمحدثین در سالهای پیش و بعد از ۱۳۰۰ خورشیدی، سمبل هنر در اصفهان بشمار میرفت. استاد ابوالحسن صبا و استاد شجریان از او بعنوان افتخاری در موسیقی ایران یاد می‌کنند.

گوشه صدري را منسوب به او میدانند. صدرالمحدثین در سال ۱۲۷۴ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او در بین خوانندگان اصفهان به «نحوی» شهرت داشت. ملک الشعرای بهار و حاج اسماعیل امیر خیزی در مدح او اشعاری سروده‌اند. او در سن ۴۱ سالگی و در سال ۱۳۱۵ خورشیدی خودکشی نمود.

صدر، حاج آقا [Hājāqā Sadr]: ردیف شناس موسیقی سنتی و تعزیه و همدوره با استاد موسی خان معروفی.

صدري [Sadri]: از گوشه‌های موسیقی ایرانی در دستگاه شور که در آواز افشاری هم آمده است. استاد ابوالحسن صبا، از واعظ خوش آواز اصفهانی عبدالحسین صدري (صدرالمحدثین) آنرا شنیده و در ردیف افشاری وارد کرده است. اسم این گوشه، در ردیف اصفهان «ده ناصری» گفته میشود.

صدری



صدری اصفهانی [Sadri Esfehāni]: از استادان سازنده سنتور و همدوره با مهدی ناظمی، استاد حسین ملک و عباس امیررضوانی.

صدقی، شفیه [Šafiqe Sedqi]: استاد تعلیم پیانو در هنرستان عالی موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی.

صدقی، گل آرا [Gol-ārā Sedqi]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس، هنرستان عالی موسیقی در رشته پیانو.

صدقی، منور [Monavar Sedqi]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

صدوقی، احمد [Ahmad Soduqi]: احمد صدوقی نوازنده چیره دست سنتور، در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در شهر نطنز کاشان بدنیا آمد. در کودکی با مرشد ورزنده، پدر زنده یاد؛ رضا ورزنده آشنا شد. مرشد سنتور می نواخت و احمد صدوقی تنها نگاه میکرد. احمد صدوقی در ۱۲ سالگی به تهران آمد و با ابراهیم سلمکی آشنا میشود. در سال ۱۳۲۴، سلمکی او را به جهانگیر شنجرفی معرفی و صدوقی مدت یکسال نزد او به یادگیری سنتور می پردازد. پس از آن نزد زنده یاد محسن بی آزار رفته و ۸ سال نزد ایشان به تکمیل هنر خود می پردازد. همکاری صدوقی با رادیو در سال ۱۳۴۶ و با تلویزیون در سال ۱۳۵۲ بود. از آهنگهای معروفی که احمد صدوقی شعر آنها را گفته میتوان به دل دیوانه با صدای ایرج و سفر کرده با صدای محمودی خوانساری اشاره کرد.

صدیف، اکبر [Akbar Sadif]: اکبر صدیف در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. از سن ۱۴ سالگی به موسیقی روی آورد. او ابتدا، برای یادگیری فلوت به کلاس استاد عبدالله جهان پناه رفت و نت خوانی و نواختن فلوت را نزد حیدر اسماعیلی آموخت. سپس به هنرستان موسیقی ملی رفت و

دوسال نزد مهدی مفتاح آموختن قانون را فرا گرفت. او یک سال و نیم دیگر، نزد استاد جلال قانونی به تکمیل و نواختن این ساز پرداخت.

صدیقی، ابوالحسن [Abolhasan Sediqi]: نوازنده چیره دست ویلن سل و از شاگردان ممتاز کمال‌الملک که در فن مجسمه سازی مهارت بسیار داشت. اوج فعالیت نوازندگی او در سالهای ۱۳۰۳ خورشیدی و بعد از آن بود.

صدیقی پارسی، پرویز [Prviz Sediqi Pārsi]: لطفاً به یاحقی، پرویز نگاه کنید.

صدیقی، کاک خلیل [Kāk Xalil Sediqi]: زنده یاد کاک خلیل صدیقی، معروف به بلبل گردستان در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در مهاباد دنیا آمد. دوری او از شهر موجب شد تا او با فراغت بیشتر در موسیقی محلی و گردی سیر و سفر کند. از کاک خلیل صدیقی ترانه های ماندگاری چون: لانکولیه، فاطمه، اژدهاک و بره‌لینه باقی مانده است. صدیقی در سال ۱۳۴۸ در جوانی بر اثر ابتلاء به سرطان معده چشم از جهان فرو بست.

صراف، پرویز [Parviz Sarrāf]: نوازنده چیره دست ضرب و از شاگردان ممتاز استاد محمد اسماعیلی است.

صراف پور، آذر [Āzar Sarrāf-pur]: ترانه سرای فعال پیش از انقلاب که همکاری نزدیکی با امیر رسائی داشت.

صِغار [Seqār]: فواصل نامطبوع، اصطلاحی در موسیقی قدیم ایران.

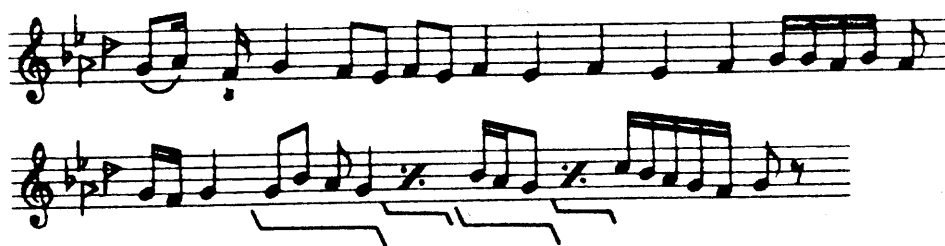
صغانه [Saḡāne]: سازی است از خانواده آلت موسیقی ضربی از رده چغانه یا دَبُوس.

صغیر [Saqir]: یکی از گوشه های دستگاه ماهور است.

صغیر فرنگ [Saqir Farang]: یکی از گوشه های دستگاه شور و همایون است.

صفا [Safā]: گوشه ای است در دستگاه شور.

صفا



صفا [Safā]: محمد حسین صفای اصفهانی در سال ۱۲۶۹ هجری در شهر فریدن بدنیا آمد. در جوانی به تهران آمد و هنوز ۲۰ سال نداشت که به تصوف و عرفان گرائید. از او دیوان اشعارش بجا مانده و دارای غزلهای نابی است. مرگ شاعر در سال ۱۳۲۲ هجری اتفاق افتاده است.

صفا، رحمت اله [Rahmat-ollāh Safā]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان معروف استاد موسی خان معروفی که در مدرسه موسیقی کلنل وزیری به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.

صفاره [Saffāre]: سازی است بادی، نایی است کوچکتر از صفیر. صفاره را دو دوک هم میگویند.

صفاریان، روبن [Ruben Saffāryān]: از نوازندگان سرشناس ویلن در ارکستر سنفونیک تهران و همدوره با نازارت آوانسیان، هایک ملیک استپانیان، آرشاویر آدامیان، سرژ خوتسیف و علی محمد خادم میثاق. روبن صفاریان در سال ۱۳۳۰ خورشیدی به رهبری ارکستر سنفونیک تهران منصوب شد.

صفاریان زاده، بهروز [Behruz Saffāryān-zāde]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ در تهران. از این هنرمند، آهنگ ترانه: باغ زندگی با صدای علیرضا عصار و شادمهر عقیلی قابل ذکر است.

صفاهانک [Safāhānak]: لطفاً به اصفهانک نگاه کنید.

صفایی [Safāyi]: گوشه ای است در دستگاه بیات ترک.

صفایی، ابراهیم [Ebrāhim Safāyi]: استاد ابراهیم صفائی ملایری، در سال ۱۲۹۱ خورشیدی در

همدان بدنیا آمد. او نویسنده، پژوهشگر، ترانه سرای معروفی است که از سال ۱۳۳۹ خورشیدی وارد کار ترانه سرایی شد و از اولین کارهای او، سرودهایی است که با همکاری حسن رادمرد، حشمت سنجری و عزیز شعبانی اجرا گردید. او برای اولین بار، هجا برداری از آهنگها را در ترانه سرایی، معمول نمود. استاد ابراهیم صفائی در زمینه تحقیقات تاریخی، کتابهای فراوانی منتشر نموده است نظیر: رهبران مشروطه و بیوگرافی رجالهای معاصر ایران و نیز کتاب معروف: اسناد سیاسی دوران قاجاریه. از کتابهای استاد صفائی در زمینه موسیقی؛ نوشتن تاریخچه هنرستان عالی موسیقی و تاریخچه هنرستان و هنرکده موسیقی ملی است.

از نمونه سرودهای او میتوان به: سرباز با آهنگی از استاد حسین دهلوی اشاره داشت. استاد صفائی، سالها از معلمین برجسته هنرستان موسیقی در فن شعرشناسی و ادبیات فارسی بوده اند. از سروده های دیگر استاد صفائی میتوان به: نوای کاروان با صدای نادر گلچین، سرود حقوق بشر و سروش آسمانی با صدای خاطره پروانه اشاره داشت.

صفائی، رحمت اله [Rahmat-ollāh Safāwi]: از نوازندگان چیره دست و قدیمی تار و از شاگردان موسی خان معروفی است. او سالها معلم مدرسه ایرانیان در بغداد بود.

صفائی، علی محمد [Ali Mohammad Safāwi]: از موسیقیدانها و نوازندگان مشهور سه تار که در سال ۱۲۷۶ خورشیدی بدنیا آمد. سه تار را در نوجوانی پیش خود فراگرفت و سپس نزد درویش خان به تکمیل آن پرداخت. او به تمامی ردیف های موسیقی ایران و گوشه های آن آگاهی کامل داشت. او در ساختن آلات موسیقی و مخصوصاً سه تار مهارت زیادی داشت. علی محمد صفائی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. زمان فوت ۴۲ سال داشت.

صفائی، عیسی [Isā Safāwi]: از هنرمندان موسیقی، تاتر و سینمای ایران است که کار هنری خود را با پیش پرده خوانی آغاز نمود. او در سال ۱۳۲۳ به اتفاق چند تن از دوستان با ذوق و هنرمندش، پایه انجمن هنرپیشگی جوانان را ریخت. او سالها در تاتر کسری به کار بازیگری اشتغال داشت و بخش های موزیکال را اجرا می نمود. او سالها گوشه گیری را اختیار نمود و از سال ۱۳۶۸ در اولین فیلم سینمایی خود، شب بیست و نهم، ساخته حمید رخشانی شرکت و سپس به بازی در فیلم های دیگر پرداخت.

صفائی، محمود [Mahmud Safāwi]: محمودخان صفائی، از خوانندگان مشهور قدیمی که

صفحاتی از او توسط کمپانی هیز مستر وِیس ضبط و پخش شده است. محمود خان صفائی همدوره دیگر خوانندگانی چون: زهرا خانم کوچک، اصغر خان، زنده یاد پروانه، گل ریز خانم، مادام سیرانوش، خانم مهرآفاق، خانم مهر باقری و آقای منتخب الذاکرین بودند.

صفائی، یوسف خان [Yusef Safāwi]: از نوازندگان معروف و قدیمی تار، معروف به یوسف خان ظهیرالدوله که از شاگردان آقا غلامحسین بوده است.

صفحه [Safhe]: صفحه گرامافون از جنس کائوچو و غیره که سابقاً آهنگهای موسیقی را بر آن ضبط می کردند.

صفحه خانه رادیو [Safhe xāneye Rādyo]: رادیو ایران در بدو تأسیس دارای مجموعه‌ای از صفحه های گرامافون ایرانی و خارجی بود که در خلال برنامه ها و یا به عنوان موسیقی زمینه گفتار یا نمایش از آنها استفاده میشد. از اولین مسئولان صفحه خانه رادیو؛ خانم سونیا سلیم زاده بود که نام و مشخصات آن صفحه ها را خوب میدانست.

صفحه ضبط صدا [Saheye Zabte Sedā]: صفحات ضبط مربوط به دوره قاجاریه به تعداد ده سیار در یک میلی متر و با سرعت ۷۸ دور در دقیقه.

صفحه مثبت [Safheye Mosbat]: دستور یا راهنمایی برای به نت آوردن یک آهنگ است.

صفدرخان [Safdar-xān]: از نوازندگان مشهور کمانچه و نی در عهد قاجاریه. او در دستگاه نایب السلطنه بود و با خواننده‌ای بنام؛ علی خان نایب السلطنه همراهی می کرد.

صفر زاده، معروف [Mawruf Safarzāde]: معروف صفرزاده در سال ۱۳۲۲ خورشیدی در آذربایجان بدنیا آمد. او در نوجوانی به تهران آمد و در دوران دبیرستان به ساخت ساز روی آورد. اولین سازی را که ساخت سنتور بود. او نواختن ویلن و تئوری موسیقی را نزد هنرمندی بنام علی اکبر پور می آموزد. صفر زاده در ساخت سازهای محلی دارای ابتکاراتی است.

صفر علی خان [Safar Ali-xān]: رئیس موزیک شهرستانک در عهد قاجاریه.

صفریان، آساطور [Āsātur Safaryān]: نوازنده چیره دست تار در آذربایجان و همدوره با علی سلیمی و محمد علی نجد بنائی.

او سالها، رهبر ارکستر آذربایجانی رادیو تبریز در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ میلادی بود.

صفری، حسن [Hasan Safari]: نوازنده چیره دست تار در شیراز، که فراگیری موسیقی را از نوجوانی آغاز می‌کند. او در سال ۱۳۴۱ نزد معلمی بنام لاله زارنوازش می‌رود و پس از ۲ سال شاگردی در سال ۱۳۴۳ با ارکستر رادیو شیراز همکاری خود را آغاز می‌کند. او پس از ۶ ماه فعالیت در رادیو، ارکستر جوانان را در شیراز تشکیل می‌دهد. در سال ۱۳۴۷ به تهران آمده و شاگرد، استاد حبیب اله صالحی می‌شود. حسن صفری، در سال ۱۳۵۰ از هنرستان موسیقی ملی فارغ التحصیل شده و به شیراز برمی‌گردد. از آهنگهای معروفی که این هنرمند ساخته میتوان به: دختر شیرازی، دل دل مکن و شیرین دهن با صدای جمال وفائی، یار شیرازی با صدای ایرج و شیرین جان و غچرو با صدای گلوریا روحانی اشاره داشت.

صفوت، داریوش [Dāryuṣ Safvat]: دکتر داریوش صفوت استاد سه تار و سنتور که علاوه بر نوازندگی، تحقیقات وسیع و ارزشمندی پیرامون موسیقی ایران انجام داده اند. دکتر صفوت به ردیف های موسیقی ایران احاطه کامل دارند. او از دست پروردگان استاد ابوالحسن صبا می باشد. ایشان در رشته سنتور نوازی از جمله شاگردان حبیب سماعی نیز محسوب میشوند.

دکتر داریوش صفوت در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پدرش علی اصغر صفوت که از سه تار نوازان آن زمان بود، او را با نواختن سه تار آشنا می‌کند و پس از مدتی او را نزد حبیب سماعی میبرد، و در دهه ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۶ جهت فراگیری بیشتر او را به کلاس استاد ابوالحسن صبا میفرستد. دکتر داریوش صفوت به مدت چهار سال از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ نزد آقا محمد ایرانی مجرد، به فراگیری ردیف ها و گوشه های آواز ایرانی می پردازد.

او استاد تدریس موسیقی در هنرستان عالی موسیقی و مرکز مطالعات موسیقی شرق Cemo وابسته به انستیتو موزیکولوژی دانشگاه سوربن فرانسه، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، مدرسه عالی تلویزیون و سینما و... میباشند.

تألیفات دکتر داریوش صفوت در زمینه موسیقی عبارت است از: رساله عرفان و موسیقی ایران، پژوهشی کوتاه در باره استادان موسیقی ایران و الحان موسیقی ایران، خصوصیات موسیقی اصیل ایرانی، و جنبه های عرفانی موسیقی اصیل ایرانی به زبانهای فارسی و انگلیسی.

نقش دکتر صفوت در بازگشائی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش موسیقی پس از تعطیلی آنها بدستور روح الله خمینی و سخنرانی او در دانشگاه تهران برای ۵۰۰ آخوند و متقاعد کردن

آنها برای ادامه حیات موسیقی کشور از بزرگترین و اساسی ترین کارهای این استاد بزرگوار است که باید ثبت تاریخ شود.

صفوت، علی اصغر [Ali-asqar Safvat]: نوازنده چیره دست تار و پدر هنرمند بزرگ ایران، دکتر داریوش صفوت است.

صفوی، امیر عباس [Amir Abbās Safavi]: امیر عباس صفوی در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از کودکی با تار مادرش که از شاگردان مرتضی خان نی داود بود آشنا شد. در سال ۱۳۳۶ به کلاس اصغر ساسان رفت و دو سال نت را نزد او فرا گرفت. صفوی از سال ۱۳۳۹ همکاری خود را با رادیو آغاز کرد. او در ارکسترهای: عباس شاپوری، علی تجویدی و بهرام حسن زاده به نوازندگی پرداخت. ساز تخصصی او ویلن است ولی با نواختن تار و سه تار نیز آشنا است.

صفوی، جمال [Jamāl Safavi]: از خوانندگان مشهور قدیمی و همدوره با جلال تاج اصفهانی و بدیع زاده.

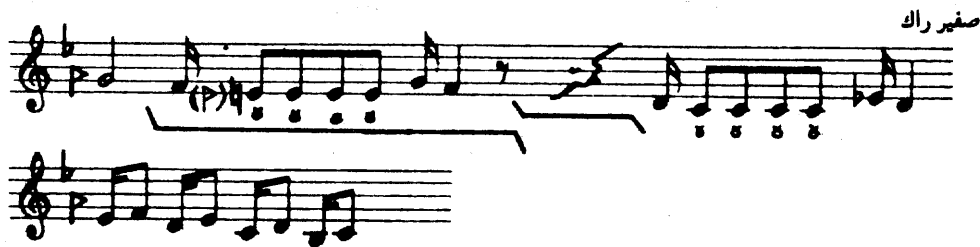
صفوی، صفی [Safi Safavi]: صفی صفوی فرزند هنرمند گرانقدر امیر عباس صفوی است که در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در شمیران بدنیا آمد. وی از کودکی نت و تئوری موسیقی را از پدرش آموخت. علاقه او به تنبک بود، از اینرو به کلاس امیر بیداریان رفت و بمدت دو سال به فرا گرفتن آن پرداخت. صفوی از سال ۱۳۶۹ همکاری خود را با رادیو تلویزیون آغاز کرده است.

صفی اصفهانی [Safi Esfehāni]: آقا صفی مشهور به: صفیا از شاعران سده دهم و سده یازدهم هجری است. او خطاطی زبردست بود و شعر و غزل عارفانه و عاشقانه میسرود. در جوانی بخاطر تنگدستی، راهی هندوستان شد و نزد بیگ مهابت خان رفت و بیگ سالیانه سی و پنج هزار روپیه به او میداد، و تمام کارهای مربوط به سپاهیان به او سپرده شد.

صفی الدین ارموی [Safi-eddin Armavi]: (۶۱۳ - ۶۹۳ هجری) موسیقی شناس نامی ایران و نوازنده چیره دست عود که در سال ۶۱۳ هجری در رضائیه بدنیا آمد. صفی الدین ارموی در سال ۶۹۳ هجری در بغداد چشم از جهان فرو بست. کتب او در موسیقی عبارتند از: شرفیه، الادوار و الایقاع.

صفیر [Safir]: سازی است بادی که انواع مختلفی از آن وجود دارد. صفیر دو استخوان بوده که پهلوی هم گذاشته، در دهان قرار میدادند و از لای شفاف آن می دمیدند. اختراع صفیر بلبل را به بوعلی سینا نسبت میدهند که در فارسی به آن سوتک گفته میشود.

صفیر راک [Safir rāk]: گوشه‌ای در دستگاه ماهرور و راست پنجگاه.



صفی قلی بیک [Safi Goli Beyk]: از موسیقیدانها و نوازندگان چهار تار در عهد شاه عباس دوم صفوی است.

صلحی، دکتر مهدی [Doktor Mehdi Solhi]: ملقب به منتظم الحکما از برجسته ترین شاگردان میرزا عبدالله است که پس از درگذشت استاد به جانشینی او برگزیده شد. او پزشکی حاذق بود که سه تار را در نهایت استادی می نواخت. او به تمامی ردیف های میرزا عبدالله آگاهی کامل داشت. او سنتور را از محمد صادق خان آموخت.

از شاگردان دکتر صلحی، میتوان به حاج آقا محمد ایرانی مجرد و حاج مخبرالسلطنه هدایت اشاره داشت که به اتفاق ردیف های موسیقی میرزا عبدالله را تنظیم و آنها را نت نویسی کرده اند. نوشتن این کتاب ۷ سال طول کشید.

صمد [Samad]: خواننده ترانه های بندری که در لس آنجلس فعالیت دارد. از این خواننده آلبومهای زیر وجود دارد: لیلا، دختر بندری و کارون.

صمد زاده، حبیب اله [Habib-ollāh Samad-zāde]: از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی تهران در رشته آواز.

صمدزاده: محمود [Mahmud Samad-zāde]: سازنده سازهای عاشیقی در آذربایجان شرقی.

پرداخت. استاد‌های دیگر او عبارت بودند از: علی اکبر پور، حسن یوسف زمانی، حسین یوسف زمانی، عباس سلیمانی و نادرپور دلجو. صمیمی مهر در سالهای آخر عمر استاد محمود کریمی به کلاس او رفت و ردیف و گوشه های موسیقی ایرانی را آموخت.

صنعت، جعفر [Jawfar Sanwat]: سازنده مشهور و صاحب نام تار واز شاگردان استاد یحیی.

صنعتی، حسین [Hoseyn Sanwati]: سازنده مشهور ویلن در بروجرد در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

صنو، محمد علی [Mohammad Ali Sanu]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

صوت [Sowt]: بانگ، آواز. سرعت سیر صوت در هر ثانیه ۳۳۳ متر است.

صوت الفتح [Sowt-ol-fath]: از ضربهای موسیقی ایرانی شامل ۵۹ ضرب.

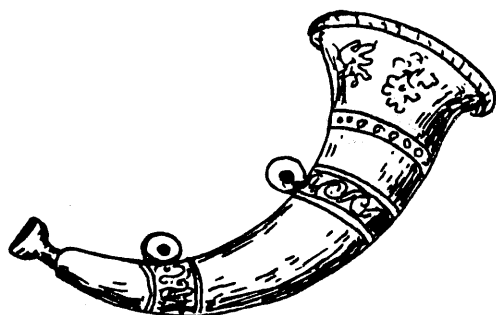
صوت انسان [Sowte Ensân]: حنجره انسان خود یک نوع آلت موسیقی طبیعی است که تولید صوت می‌کند، زیرا استنباط این است که موسیقی آوازی یا آوایی، ارتعاشات منظم و موزونی است که توسط انسان خواننده در فضای دهان ایجاد میگردد. ارتعاش پرده های صوتی حنجره بر اثر عبور هوا از ریه به خارج صدا تولید می‌کند. صوت انسان از یک نظر به صدای سازها، برتری دارد چون با کلام توأم است. وسعت صدا در افراد متفاوت است، برخی، بم می‌خوانند و تعدادی زیر. دو دانگ خواندن یعنی نرم و آهسته خواندن و شش دانگ خواندن یعنی زیر و در اوج خواندن میباشد.

آواز به چهار صورت میباشد؛ باس، تنور، آلتو و سوپرانو. خواننده باس، آواز بم و کوتاه دارد و خواننده سوپرانو آوازی بلند و زیر دارد. سابقاً در ایران صدای خوانندگان را به سه دسته تقسیم می‌کردند؛ دو دانگ، چهار دانگ و شش دانگ.

صوت طوس [Sowte tus]: شرکت تولید، تکثیر و پخش نوار کاست و CD موسیقی ایرانی که در مشهد فعالیت دارد.

صوت واحد [Sowt vâhed]: هرگاه صوت دارای امتداد مستقیم یا بدون بازگشت باشد به آن صوت واحد گویند.

صوتی رشتی، حسین [Hoseyn Sowti Rašti]: از خوانندگان بزرگ و مشهور گیلان در سالهای ۱۲۹۰ خورشیدی و بعد از آن. از ترانه های ماندگاری که او اجرا کرده میتوان به: گُراشیم بابا، می رله، بیجار کتامي، هي يار هي يار و جارو جارو اشاره داشت.



صور [Sur]: سازی است بادی از رده شاخ.

صورتگر، لطفعلی [Lotf-Ali Suratgar]: ترانه سرای مشهور معاصر که با سرودن تصنیف و سرود با انجمن موسیقی ملی از سال ۱۳۲۳ همکاری داشت. از همدوره ای های دکتر صورتگر، میتوان به رهی معیری، محمد علی امیر جاهد، حسن سالک، دکتر حسین گل گلاب و دکتر هدایت اله نیر سینا اشاره نمود.

صورتگر، یوسف [Yusef Suratgar]: عکاس ناصرالدین شاه که سه تار را به سبک قدیم، خوب می نواخت.

صوفی آملی [Sufiye Āmoli]: مولانا محمد صوفی آملی، از شاعران سده دهم و یازدهم هجری است که بیشتر دوران شاعری خود را در هند گذراند. او در آمل مازندران بدنیا آمد. زمانی به شیراز و سپس به کازرون رفت و سپس بخاطر مشکلات مالی و بی لطفی، راهی هند شد. کاری که اکثر شاعران آن زمان می کردند. دیوان او شامل ۱۵۰۰ بیت است و از شعر او آثار ناخشنودی و سرخوردگی از همه کس آشکار است.

صوفیانه [Sufiyâne]: یکی از ضرب های موسیقی ایرانی، دارای سه ضرب.

صوفی نامه [Sufi nâme]: شکلی است از موسیقی ایران دارای وزن که با اشعار ساقی نامه خوانده میشود. در آواز اصفهان و دستگاه ماهر هم می آید.



صولتی، شهرام [Sahrām Soulati]: خواننده مشهور پیش و بعد از انقلاب که در لس آنجلس زندگی می کند شهرام صولتی، برادر شهره، خواننده معروف میباشد.

صهبا، ابراهیم [Ebrāhim Sahbā]: از شاعران و ترانه سرایان معاصر و همدوره با رهی معیری، سیمین بهبهانی و معینی کرمانشاهی.

صهبائی، منوچهر [Manucehr Sahbāwi]: دکتر منوچهر صهبائی، در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدائی به هنرستان عالی موسیقی رفت و لیسانس خود را در رشته ابوا کسب کرد. او سپس به پاریس رفت و پس از مدتی همکاری با پروفیسور پیر پیرلو، به استرانزبورگ رفت و مدت چهار سال در کنسرواتوار آن شهر، جهت فراگیری رهبری ارکستر به کار پرداخت. او در سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ درجه دکترا در موزیک و دریافت درجه پروفیسوری در اتریش میشود.

صیاد، چنگیز [Cangiz Sayād]: از صدابرداران و صداگذاران با تجربه که در تهران به این کار اشتغال دارد.

صیدی تهرانی [Seyedi Tehrāni]: میر سیدعلی، متخلص به صیدی، از شاعران سده یازدهم هجری است. آغاز عمر او به کسب دانش در اصفهان گذشت و همانجا به شاعری نام برآورد. او در سال ۱۰۶۵ به دربار شاه جهان در هندوستان رفت، و مورد لطف آن پادشاه و دخترش جهان آرا بیگم قرار گرفت.

صیدی تهرانی در سن ۳۰ سالگی به سال ۱۰۶۹ در دهلی درگذشت. دیوان این شاعر به شماره or. 293 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

صیدی، عیسی [Isā Seydi]: عیسی صیدی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در زنجان بدنیا آمد. او از ۱۵ سالگی به نواختن ویلن روی آورد. او در سال ۱۳۱۴ به تهران آمد و به هنرستان موسیقی ملی واقع در خیابان کاخ جنوبی رفت. در آن زمان، ریاست هنرستان با استاد حسین دهلوی بود. او بعدها، همکاری خود را با وزارت فرهنگ و هنر آغاز کرد. صیدی سپس به زنجان رفته و در آنجا، کلاس موسیقی دایر می کند.

صیرفی، رضا [Rezā Seyrafi]: نوازنده چیره دست ضرب در تهران. رضا صیرفی از شاگردان استاد حسین تهرانی است. او در سال ۱۳۴۰ خورشیدی به هنرستان آزاد موسیقی وابسته به وزارت فرهنگ و هنر واقع در خیابان منوچهری رفت و مدت ۷ سال از محضر استاد تهرانی بهره جست. رضا صیرفی، از سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با تلویزیون آغاز کرد. در سال ۱۳۵۰ با ادغام رادیو و تلویزیون به رادیو آمد و با ارکستر بزرگ رادیو به رهبری فریدون ناصری همکاری نمود.

صیرفی، شهاب الدین [Shāb-eddin Seyrafi]: از موسیقیدانهای معاصر اویس ایلخانی است که رساله: ادوارفی حل الاوتار، صفی الدین ارموی را تفسیر کرده است.